

صلى الله عليه وسلم



دانشگاه تربیت معلم تهران

دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته مدیریت آموزشی

عنوان:

**بررسی عوامل مؤثر در تصمیم گیری دانش آموزان سال چهارم دبیرستان برای
ادامه تحصیل در دانشگاه در شهر کرمانشاه**

استاد راهنما:

دکتر حمیدرضا آراسته

استاد مشاور:

دکتر محمدرضا بهرنگی

پژوهشگر:

مهین شریفی حسین آبادی

زمستان 1389

تقدیم به

پدر بزرگوارم که توانش رفت تا توانی گرفتیم و مویس سپید کشت تا سپید روی بانم.
مادر فدای کارم که چون شمعی آب کشت تا سیراب کشتم و چون پروانه ای سوخت تا ساخته شدم.

نازنین خواهرانم، شیرین خواهرانم، مهربان خواهرانم

که در نفس نفس های زندگی ام، همواره به من باور و امید می دادند.

برادران عزیزم که در تمام مراحل تحصیلی مشوق و حامی من بوده اند.

تقدیر و تشکر

از خالق یکتا سپاسگزارم که فرصتی بر من ارزانی داشت تا محضراتی را تقدیر را درک کرده و در جهت کسب علم و دانش کوشا باشم.

از جناب آقای دکتر حمید رضا آراسته که با حسن خلق و تواضع ستودنی راهنمایی پایان نامه را عمده دار شده و از نظرات ارزشمند و تخصصی خود اینجانب را بهره مند ساختند نهایت تشکر و قدردانی را می‌نمایم.

از جناب آقای دکتر محمد رضا بهرنگی که با صبر و کشاده رویی مثال زدنی اینجانب را از مشورت‌های بدبازانه خود بهره‌مند ساختند نهایت سپاسگزاری را دارم.

بهمین بر خود لازم می‌دانم از جناب آقای دکتر عبدالرحیم نوه ابراهیم که با وجود مشغله اجرایی با حسن خلق و کشاده رویی داوری پایان نامه را قبول نمودند سپاسگزاری نمایم.

در نهایت از دوستان عزیزم خانم نادران و صابری به پاس تمام زحمات و حمایت‌هایشان صمیمانه قدردانی می‌نمایم.

چکیده

هدف از پژوهش حاضر شناسایی عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه است. روش پژوهش حاضر از نوع پیمایشی است و داده‌ها با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته گردآوری شدند. جامعه آماری پژوهش حاضر عبارت است از کلیه (N=6175) دانش‌آموزان دختر و پسر سال چهارم دبیرستان که در سال تحصیلی 90-1389 در سه رشته ریاضی فیزیک، علوم تجربی و علوم انسانی در دبیرستان‌های دولتی شهر کرمانشاه مشغول به تحصیل هستند. از این میان 540 نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای به‌طور تصادفی انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از میانگین رتبه‌ای و آزمون فریدمن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. از تجزیه و تحلیل داده‌ها این نتایج بدست آمد: در بین مؤلفه‌های عامل فردی-روانشناختی، علاقه به ادامه تحصیل، خودپنداره تحصیلی بالا و کسب شناخت و آگاهی به ترتیب مهم‌ترین مؤلفه‌ها شناخته شدند. در بین مؤلفه‌های عامل خانوادگی، انتظار والدین مبنی بر افتخار آفرینی فرزندشان برای خانواده از طریق ورود به دانشگاه، اهمیت بالای درس خواندن برای خانواده، تمایل والدین برای ورود فرزندشان به دانشگاه به ترتیب مهم‌ترین مؤلفه‌ها شناخته شدند. در بین مؤلفه‌های عامل اجتماعی-فرهنگی، منزلت اجتماعی بالاتر، گسترش روابط و تعاملات اجتماعی از طریق ورود به دانشگاه، اهمیت دانشجو بودن در میان خویشاوندان و قصد دوستان برای ورود به دانشگاه به ترتیب مهم‌ترین مؤلفه‌ها شناخته شدند. در بین مؤلفه‌های عامل اقتصادی، یافتن شغل مناسب، کسب درآمد بالاتر و اعتقاد دانش‌آموزان مبنی بر اینکه تحصیلات دانشگاهی نوعی سرمایه‌گذاری است، به ترتیب مهم‌ترین مؤلفه‌ها شناخته شدند. در بین مؤلفه‌های عامل آموزشگاهی، رشته تحصیلی، تشویق معلمان و رقابت با همکلاسی‌ها به ترتیب مهم‌ترین مؤلفه‌ها شناخته شدند.

کلید واژگان: عامل فردی-روانشناختی، عامل خانوادگی، عامل اجتماعی-فرهنگی، عامل اقتصادی، عامل

آموزشگاهی، تقاضای اجتماعی، آموزش عالی.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: کلیات و طرح پژوهش

2.....	مقدمه
3.....	بیان مسئله
7.....	اهمیت و ضرورت پژوهش
9.....	هدف‌های پژوهش
9.....	هدف کلی
9.....	اهداف جزئی
10.....	سؤال‌های پژوهش
11.....	تعاریف واژه‌ها و اصطلاحات
11.....	تعاریف نظری
12.....	تعاریف عملیاتی

فصل دوم: مبانی نظری و پیشینه پژوهش

14.....	مقدمه
15.....	مبانی نظری پژوهش
15.....	نظریه انگیزه پیشرفت
17.....	نظریه نیازهای مازلو
18.....	نظریه سرمایه اجتماعی کلمن
20.....	نظریه سرمایه فرهنگی بوردیو
23.....	نظریه سرمایه انسانی
25.....	نظریه استاندارد نئو کلاسیک
26.....	رویکرد تلفیقی نظریه نئو کلاسیک و نظریه سرمایه انسانی
27.....	نظریه مدرک گرایی
28.....	نظریه مصرف فرهنگی ویلن
30.....	نظریه یادگیری شناختی - اجتماعی بندورا
31.....	نظریه کنش اجتماعی پارسونز

- 33..... نظریه انتظار معلم.....
- 35..... نظریه انتخاب عقلانی.....
- 36..... نظریه نقش.....
- 38..... عوامل تأثیرگذار بر تصمیم دانش‌آموزان برای ورود به دانشگاه.....
- 38..... عامل فردی - روان‌شناختی.....
- 38..... علاقه.....
- 39..... موفقیت تحصیلی.....
- 39..... استعداد و توانایی.....
- 40..... کسب شناخت و آگاهی.....
- 41..... جنسیت.....
- 42..... انگیزه تحصیلی.....
- 43..... عامل خانوادگی.....
- 44..... تحصیلات والدین.....
- 45..... شغل والدین.....
- 46..... اندازه خانواده.....
- 47..... محیط منزل.....
- 47..... درآمد خانواده.....
- 49..... عامل اقتصادی.....
- 49..... هزینه تحصیلات دانشگاهی.....
- 51..... درآمد حاصل از تحصیلات دانشگاهی.....
- 53..... نرخ بازده.....
- 54..... اشتغال.....
- 54..... شرایط بازار کار و بیکاری.....
- 55..... عامل اجتماعی - فرهنگی.....
- 56..... تأثیر گروه همسالان.....
- 57..... منزلت اجتماعی.....
- 58..... کسب مدرک دانشگاهی.....
- 59..... عامل آموزشگاهی.....

62.....	فرهنگ سازمانی و جوّ مدرسه.....
63.....	نقش معلم در کلاس درس.....
64.....	نقش مدیر.....
65.....	نقش مشاور.....
67.....	پیشینه پژوهش‌های انجام شده در داخل و خارج از کشور.....
67.....	پژوهش‌های خارجی.....
75.....	پژوهش‌های داخلی.....
83.....	جمع‌بندی.....

فصل سوم: روش شناسی پژوهش

86.....	روش پژوهش.....
86.....	متغیرهای مورد بررسی.....
86.....	متغیر وابسته.....
86.....	متغیرهای مستقل.....
86.....	جامعه آماری پژوهش.....
87.....	حجم نمونه و روش نمونه‌گیری.....
87.....	حجم نمونه.....
88.....	روش نمونه‌گیری.....
88.....	ابزار گردآوری داده‌ها.....
89.....	پایایی ابزار اندازه‌گیری.....
89.....	روایی ابزار اندازه‌گیری.....
90.....	نحوه اجرای ابزار گردآوری داده‌ها.....
90.....	روش تجزیه و تحلیل داده‌ها.....

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل آماری

92.....	مقدمه.....
93.....	مشخصات توصیفی گروه نمونه.....
93.....	مشخصات توصیفی دانش‌آموزان در متغیر جنسیت.....
93.....	مشخصات توصیفی دانش‌آموزان در متغیر سن.....

- 93.....مشخصات توصیفی دانش آموزان در متغیر رشته تحصیلی
- 94.....مشخصات توصیفی دانش آموزان در متغیر معدل
- 94.....مشخصات توصیفی دانش آموزان در متغیر شغل پدر
- 95.....مشخصات توصیفی دانش آموزان در متغیر شغل مادر
- 95.....مشخصات توصیفی دانش آموزان در متغیر تحصیلات پدر
- 96.....مشخصات توصیفی دانش آموزان در متغیر تحصیلات مادر
- 96.....مشخصات توصیفی دانش آموزان در متغیر تعداد اعضای خانواده
- 96.....مشخصات توصیفی دانش آموزان در متغیر درآمد ماهیانه خانواده
- 97.....مشخصات توصیفی دانش آموزان در متغیر طبقه اقتصادی - اجتماعی
- 98.....توصیف نمرات پرسشنامه نگرش سنج
- 101.....تحلیل آماری سؤال‌های پژوهش
- 101.....تحلیل آماری سؤال اول پژوهش
- 102.....تحلیل آماری سؤال دوم پژوهش
- 103.....تحلیل آماری سؤال سوم پژوهش
- 104.....تحلیل آماری سؤال چهارم پژوهش
- 105.....تحلیل آماری سؤال پنجم پژوهش
- 106.....تحلیل آماری سؤال ششم پژوهش
- 109.....تحلیل آماری سؤال هفتم پژوهش
- 110.....تحلیل آماری سؤال هشتم پژوهش
- 114.....تحلیل آماری سؤال نهم پژوهش
- 115.....تحلیل آماری سؤال دهم پژوهش

فصل پنجم: بحث و نتیجه‌گیری

- 121.....مقدمه
- 121.....بررسی سؤال‌های پژوهش
- 121.....بررسی سؤال اول پژوهش
- 122.....بررسی سؤال دوم پژوهش
- 123.....بررسی سؤال سوم پژوهش

- 125..... بررسی سؤال چهارم پژوهش
- 126..... بررسی سؤال پنجم پژوهش
- 127..... بررسی سؤال ششم پژوهش
- 128..... بررسی سؤال هفتم پژوهش
- 129..... بررسی سؤال هشتم پژوهش
- 132..... بررسی سؤال نهم پژوهش
- 134..... بررسی سؤال دهم پژوهش
- 135..... محدودیت‌های پژوهش
- 135..... پیشنهادات
- 135..... پیشنهادهای کاربردی
- 138..... پیشنهادهای پژوهشی

منابع

- 140..... منابع فارسی
- 149..... منابع لاتین

پیوست‌ها

- 155..... پرسشنامه

فهرست جداول

صفحه	عنوان
87.....	جدول 3-1: توزیع دانش آموزان جامعه آماری.....
93.....	جدول 4-1: توزیع نمونه‌ها از نظر جنسیت.....
93.....	جدول 4-2: توزیع نمونه‌ها از نظر سن.....
94.....	جدول 4-3: توزیع نمونه‌ها در متغیر رشته تحصیلی.....
94.....	جدول 4-4: توزیع نمونه‌ها بر حسب معدل.....
94.....	جدول 4-5: توزیع نمونه‌ها بر حسب شغل پدر.....
95.....	جدول 4-6: توزیع نمونه‌ها بر حسب شغل مادر.....
95.....	جدول 4-7: توزیع نمونه‌ها بر حسب سطح تحصیلات پدر.....
96.....	جدول 4-8: توزیع نمونه‌ها بر حسب سطح تحصیلات مادر.....
96.....	جدول 4-9: توزیع نمونه‌ها بر حسب تعداد اعضای خانواده.....
97.....	جدول 4-10: توزیع نمونه‌ها بر حسب میزان درآمد ماهیانه خانواده.....
98.....	جدول 4-11: توزیع نمونه‌ها بر حسب طبقه اقتصادی - اجتماعی.....
98.....	جدول 4-12: توزیع فراوانی و درصد پاسخدهی به سؤالات پرسشنامه.....
101.....	جدول 4-13: نتایج آزمون فریدمن مربوط به مؤلفه‌های عامل فردی - روانشناختی در تصمیم‌گیری دانش آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه.....
102.....	جدول 4-14: شاخص‌های توصیفی مربوط به مؤلفه‌های عامل فردی - روانشناختی در تصمیم‌گیری دانش آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه به ترتیب اولویت.....
102.....	جدول 4-15: نتایج آزمون فریدمن مربوط به مؤلفه‌های عامل خانوادگی در تصمیم‌گیری دانش آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه.....
103.....	جدول 4-16: شاخص‌های توصیفی مربوط به مؤلفه‌های عامل خانوادگی در تصمیم‌گیری دانش آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه به ترتیب اولویت.....
103.....	جدول 4-17: نتایج آزمون فریدمن مربوط به مؤلفه‌های عامل اجتماعی - فرهنگی در تصمیم‌گیری دانش آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه.....

- جدول 4-18: شاخص‌های توصیفی مربوط به مؤلفه‌های عامل اجتماعی - فرهنگی در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه به ترتیب اولویت.....104
- جدول 4-19: نتایج آزمون فریدمن مربوط به مؤلفه‌های عامل اقتصادی در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه.....104
- جدول 4-20: شاخص‌های توصیفی مربوط به مؤلفه‌های عامل اقتصادی در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه به ترتیب اولویت.....105
- جدول 4-21: نتایج آزمون فریدمن مربوط به مؤلفه‌های عامل آموزشی در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه.....105
- جدول 4-22: شاخص‌های توصیفی مربوط به مؤلفه‌های عامل آموزشی در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه به ترتیب اولویت.....106
- جدول 4-23: شاخص‌های توصیفی و نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای مربوط به میزان تاثیر عامل فردی - روانشناختی در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه.....107
- جدول 4-24: شاخص‌های توصیفی و نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای مربوط به میزان تاثیر عامل خانوادگی در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه.....107
- جدول 4-25: شاخص‌های توصیفی و نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای مربوط به میزان تاثیر عامل اجتماعی - فرهنگی در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه.....108
- جدول 4-26: شاخص‌های توصیفی و نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای مربوط به میزان تاثیر عامل اقتصادی در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه.....108
- جدول 4-27: شاخص‌های توصیفی و نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای مربوط به میزان تاثیر عامل آموزشی در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه.....109
- جدول 4-28: نتایج آزمون فریدمن مربوط به عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه.....110
- جدول 4-29: شاخص‌های توصیفی مربوط به عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه.....110
- جدول 4-30: شاخص‌های توصیفی مربوط به تاثیر عوامل پنج‌گانه در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه بر حسب طبقه اقتصادی - اجتماعی.....111

- جدول 4-31: نتایج آزمون تحلیل واریانس مربوط به تاثیر عوامل پنج گانه در تصمیم گیری دانش آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه بر حسب طبقه اقتصادی - اجتماعی.....112
- جدول 4-32: نتایج آزمون توکی مربوط به تاثیر عوامل خانوادگی، اقتصادی و آموزشی در تصمیم گیری دانش آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه بر حسب طبقه اقتصادی - اجتماعی.....113
- جدول 4-33: شاخص های توصیفی مربوط به تاثیر عوامل پنج گانه در تصمیم گیری دانش آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه بر حسب جنسیت و نتایج آزمون تی گروه های مستقل.....114
- جدول 4-34: شاخص های توصیفی مربوط به تاثیر عوامل پنج گانه در تصمیم گیری دانش آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه بر حسب رشته تحصیلی.....116
- جدول 4-35: نتایج آزمون تحلیل واریانس مربوط به تاثیر عوامل پنج گانه در تصمیم گیری دانش آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه بر حسب رشته تحصیلی.....117
- جدول 4-36: عوامل استخراج شده و سؤالات مربوط به هر عامل به همراه بارهای عاملی آنها.....118

فهرست اشکال و نمودارها

عنوان	صفحه
شکل 2-1: سلسله مراتب نیازهای مازلو.....	17
نمودار 4-1: مهم ترین عوامل مؤثر در تصمیم گیری دانش آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه.....	119

فصل اول

کلیات و طرح پژوهش

مقدمه

بر اساس نظریه‌های تدوین شده در دهه‌های 1950 و 1960 میلادی، آموزش به عنوان عامل تحرک توسعه اقتصادی و تغییرات اجتماعی محسوب می‌شود. به اعتقاد سولو¹ (1957) نقش آموزش در بهبود و افزایش کارایی نیروی انسانی بسیار اساسی است و موجبات پیشرفت تکنولوژی را فراهم می‌کند (پورکاشمی، 1374). بنابراین آموزش بستر توسعه محسوب می‌شود و رکن اساسی آموزش، آموزش عالی است. دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در نوآوری؛ سازگاری با محیط و تحولات اجتماعی؛ هماهنگی با نیازهای اجتماعی؛ برنامه‌ریزی، مدیریت و رهبری این تحولات نقش مهمی ایفا می‌کنند (آراسته، 1385). هدف‌های عمده نظام آموزش عالی در هر کشور را می‌توان بر چهار محور استوار کرد:

- 1- کمک به تحقق هدف‌های اجتماعی از طریق فراهم کردن برابری در فرصت‌های آموزش عالی؛
- 2- برآورد تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی متناسب با ویژگی‌ها، انگیزه‌ها، انتظارات و تحصیلات افراد، و پرورش توانایی‌های بالقوه شهروندان و تسهیل فرایند یادگیری مادام‌العمر؛
- 3- پرورش نیروی انسانی متخصص مورد نیاز توسعه کشور و کمک به حل مسائل جامعه؛
- 4- پیشبرد مرزهای دانش و تولید دانش نو (بازرگان، 1374).

دانشگاه محل خردورزی، آموزش و یادگیری بسیاری از مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد که باعث ایجاد فرصت‌هایی برای پیشرفت و ترقی افراد می‌شود و جوانان با درک این مسائل به آموزش عالی روی می‌آورند (زارع شاه آبادی، 1381). تمایل جوانان برای راه یافتن به دانشگاه، تقاضای اجتماعی آموزش عالی نامیده می‌شود و در این راستا نظام آموزشی دو رسالت عمده برعهده دارد. از یک سو موظف به تأمین و پاسخگویی به نیاز موجود افراد برای راهیابی به مؤسسات آموزش عالی است و از طرف دیگر متعهد به هدایت متقاضیان به سمت افق‌های تازه و مورد نیاز جامعه است (اکبری و همکاران، 1386).

تقاضا برای ورود به آموزش عالی، عموماً به میزان و تنوع این نوع خدمات و شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه بستگی دارد. این شرایط که در هر کشوری متفاوت است می‌تواند تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی را به انحاء گوناگون تحت تأثیر قرار دهد (دانشجو، 1381). لیکن عوامل مؤثر بر تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی، به طور کلی چهار دسته هستند:

- 1- عوامل فردی و ویژگی‌های خانواده: توانایی‌های فکری و ذهنی، انگیزه و علائق، تأثیر خانواده، جنسیت؛
- 2- عوامل اقتصادی: اشتغال در جامعه، سیاست‌های حمایتی دولت، قوانین و مقررات، سطح درآمد؛
- 3- عوامل و امکانات آموزشی: ظرفیت پذیرش دانشگاه‌ها، کیفیت امکانات موجود، کمیت امکانات موجود؛
- 4- عوامل اجتماعی، فرهنگی و محیطی: تعداد جمعیت لازم‌التعلیم، نفوذ همسن و سالان، سطح سواد جامعه،

قوانین و مقررات آموزشی، باورها و ارزش‌های حاکم در جامعه؛ (اکبری و همکاران، 1386).

در مقابل تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی، تقاضای خصوصی قرار دارد. مفهوم تقاضای اجتماعی آموزش عالی بر خلاف عنوان آن که یک مفهوم جمعی را مستفاد می‌کند، به پدیده رشد فزاینده تقاضای خصوصی برای آموزش عالی اطلاق می‌شود و تقاضای اجتماعی، حاصل جمع تقاضای خصوصی برای آموزش عالی است. تقاضای هر فرد برای دانشگاه، بر اساس رجحان‌ها و انتظاراتی است که وی در ذهن خود پروراند و تحت تأثیر محیط تکامل یافته است (عمادزاده، 1377). تقاضای خصوصی برای آموزش عالی تحت تأثیر عوامل زیر قرار دارد:

- 1- تفاوت بین دستمزدها و درآمدهای فارغ التحصیلان دانشگاهی و دبیرستانی؛
 - 2- احتمال موفقیت در یافتن شغل مناسب پس از فراغت از تحصیل؛
 - 3- هزینه‌های مستقیم خصوصی آموزشی (مانند شهریه)؛
 - 4- هزینه‌های غیرمستقیم ناشی از آموزش (هزینه‌های فرصت از دست رفته)؛ (عمادزاده، 1381).
- در پژوهش حاضر سعی بر آن است عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری دانش‌آموزان برای ادامه تحصیل در دانشگاه (تقاضای خصوصی آموزش عالی) مورد بررسی قرار گیرد.

بیان مسئله

تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی که در قالب تقاضای افراد برای دریافت خدمات آموزش عالی مطرح است، از نیمه دوم قرن بیست به شکل محسوسی افزایش یافته است (منون¹، 1998). گسترش سریع تقاضا برای آموزش عالی و ناتوانی کشورهای در حال توسعه در تأمین اشتغال کافی برای فارغ التحصیلان دانشگاهی، به یک بحران اقتصادی - اجتماعی در دهه 1980 و 1990 در بسیاری از این کشورها تبدیل شده است. در فاصله 27 ساله 1970-1997، جمعیت دانشجویان جهان از 28/08 میلیون نفر به 88/16 میلیون نفر رسید یعنی بیش از سه برابر افزایش یافت که از این مقدار افزایش سهم کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه بسیار متفاوت بود. تعداد دانشجویان مراکز آموزش عالی در کشورهای در حال توسعه در این دوره بیش از 7 برابر افزایش یافت در حالیکه تعداد دانشجویان کشورهای توسعه یافته در همان فاصله زمانی تقریباً 2 برابر شده است. به این ترتیب سهم دانشجویان ممالک در حال توسعه از کل جمعیت دانشجویی جهان، از کمتر از 25 درصد به حدود 50 درصد افزایش پیدا کرد (اکبری، ب 1380). همچنین تعداد دانشجویانی که کشور دیگری را برای تحصیلات دانشگاهی انتخاب کرده‌اند از 2 میلیون نفر در سال 2001 به 3/3 میلیون نفر در سال 2009 افزایش یافته است (OECD، 2010).

افزایش تقاضا برای آموزش عالی دولت‌ها را با چالش‌هایی مواجه کرده است. تجدید نظر در سیاست‌های آموزشی، لزوم گسترش و بهبود دوره‌های آموزش عالی، تنگناهای تأمین مالی، مهاجرت نخبگان و بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی از جمله تنش‌هایی است که در بسیاری از کشورها در پاسخ به این نیاز عمومی بروز کرده است (محمدی روزبهرانی و طارمی، 1384). اگر چه تحولات جمعیتی و افزایش سطح مطالبات اجتماعی عامل این پدیده بوده است، لیکن تحولات نظام اقتصاد جهانی و افزایش تحرک شغلی و مبادلات نیروی انسانی در دهه اخیر نیز به افزایش تقاضا برای آموزش عالی کمک کرده است (قارون، الف، 1382).

آموزش عالی در ایران هم از این امر مستثنی نبوده و به دنبال تحولات جمعیتی دهه شصت، با چالش رشد جمعیت متقاضی آموزش عالی در اواخر دهه گذشته و این دهه مواجه شده است (همان منبع). بطوریکه طی سالهای 80-1362 میزان تقاضا برای آموزش عالی به بیش از 5 برابر افزایش یافت (اکبری و همکاران، 1386). اما باید توجه داشت افزایش دسترسی به آموزش عالی و تأکید بر کمیت بدون توجه کافی به کیفیت به پیشرفت کشور کمک چندانی نخواهد کرد (آراسته و همکاران، 1387).

عوامل متعددی تقاضا برای آموزش عالی را تشدید می‌بخشد که عبارتند از: هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم آموزش عالی، تقاضای بخش عمومی به مثابه استخدام کنندگان اصلی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، نقش مدرک به جای کارایی در تعیین حقوق و دستمزد (فرجادی، 1383).

همانطور که گفته شد آموزش عالی ایران متناسب با رشد متقاضیان از گسترش زیادی برخوردار شده است. این گسترش در دهه 1360 با هدف حل مشکلات تخصیصی کشور آغاز شد، اما ادامه این روند در دهه 1370 مشکلاتی را برای کشور به وجود آورد. از جمله این مسائل افت کیفیت آموزش عالی است در ضمن ترکیب ورودی‌ها به آموزش عالی، انحراف شدیدی را نسبت به نیازمندی‌های کشور به نیروی انسانی متخصص نشان می‌دهد بطوریکه طبق پیش‌بینی‌های انجام شده، در بهترین حالت، تقاضای اجتماعی سالانه $5/3$ برابر بیشتر از نیازمندی‌های نیروی انسانی متخصص سالانه است (سهرابی و دیگران، 1376).

امروزه انگیزه ورود به آموزش عالی به یک مشکل اجتماعی برای جوانان تبدیل شده است. تجربه نشان می‌دهد حتی خانواده‌های کم‌بضاعت از هزینه کردن در این زمینه‌ها مضایقه‌ای ندارند (رفیعی راد، 1382) تا شاید فرزندان‌شان وارد دانشگاه شوند و شأن اجتماعی پیدا کنند. این امر سبب شده است که خانواده‌ها در هر شرایطی فرزندان خود را بدون توجه به شرایط فردی و نیازهای اجتماعی راهی دانشگاه کنند (کیوانفر، 1381). اگرچه در بسیاری کشورهای توسعه‌نیافته خانوارهای فقیر به هر وسیله هزینه تحصیل فرزندان خود را پرداخت می‌کنند، اما باید بین تمایل به پرداخت و توان پرداخت تفاوت قائل شد. همراهی این دو یعنی تمایل به پرداخت و عدم توان پرداخت، به تخصیص نامتوازن بودجه خانوار منجر خواهد شد که آثار آن بر حضور خانوارها در بازارهای کار و کالا و خدمات، تبعاتی را به صورت چندپیشگی، کاهش فرصت‌های شغلی برای

نیروی کار جوان، کاهش تقاضا برای کالا و خدمات، و رکود اقتصادی را به دنبال دارد (فارون، 1381: 156). دانش‌آموزان در ایران برای ورود به آموزش عالی باید از سدی به نام کنکور بگذرند که این سد کنکور موجب افزایش اضطراب در دانش‌آموزان در طول سال‌های تحصیلی در دبیرستان و پیش‌دانشگاهی می‌شود و در صورت قبول نشدن در کنکور یأس، ناامیدی، افسردگی و از دست دادن روحیه اعتماد به نفس در آن‌ها بروز می‌کند (حج فروش، 1381). گاهی استرس‌های وارد شده بر دانش‌آموزان بر اثر کنکور، حتی سال‌ها پس از موفقیت در آزمون سراسری، در دوره‌های سنی بعد نیز همچنان پایدار است و دانش‌آموزان را آسیب‌پذیر می‌سازد (مردیها، 1383).

دانشجو در موقعیتی قرار دارد که مسائل خاصی را به وجود می‌آورد. اریکسون دانشجو را تحت عنوان "آمیزه‌ای از تکانشوری انفجاری و درون‌نگری و سواسی" معرفی می‌کند. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که دانشجویان نسبت به همسالان غیر دانشجویی خود بیشتر نیازمند کمک‌های روانشناختی می‌باشند. برآورد شده است که در سال‌های دوره کارشناسی حدود 2 درصد از دانشجویان به یک اختلال روان‌پریشی که مستلزم بستری شدن در بیمارستان است، دچار می‌شوند (حسین شاهی و سیاح سیار، 1384).

استرس، اضطراب و شکست غالباً با زندگی دانشجویی همراه است گاهی ممکن است احساسات منفی چنان شدت یابند که دانشجویان دست به خودکشی بزنند. نرخ خودکشی که به عنوان دومین علت مرگ در دانشجویان به حساب می‌آید، 50 درصد بیشتر از نرخ کل است. نتایج زمینه‌یابی دیگری در دانشگاه سینسیناتی نشان داد که نزدیک به 30 درصد دانشجویان در سال‌های تحصیل خود به خودکشی فکر کرده‌اند (دیویک و نوویکی، 1982؛ نقل از حسین شاهی و سیاح سیار، 1384).

برخی از دانشجویان در دوران تحصیلات دانشگاهی با افت تحصیلی مواجه می‌شوند. افت تحصیلی چه به صورت ترک تحصیل، اخراج، فوت و چه به شکل توقف (طولانی شدن زمان تحصیل) باشد، در هر سال معادل هزینه سرانه آموزشی زیان‌آور است (نورشاهی، 1375). همچنین بی‌علاقگی تحصیلی و نبود انگیزه‌های علمی قوی در دانشجویان برای کار و تلاش علمی جدی، از مشکلات دیگری است که دانشجویان و دانشگاه‌ها با آن مواجه هستند (قادری، 1383).

به دنبال افزایش تقاضا برای آموزش عالی و پاسخگویی به این تقاضا، ما شاهد این واقعیت هستیم که در سال‌های اخیر نسبت جنسی دانشجویان به نفع دختران افزایش یافته است و این به صورت یک مسئله پاتولوژیک (آسیبی) می‌تواند دارای پیامدها و آثار مثبت و منفی باشد (زارع شاه آبادی، 1381). مثلاً در سال 1389 از مجموع 1286813 نفر شرکت‌کننده در آزمون سراسری، بیش از 60 درصد را زنان (777653 نفر) و کمتر از 40 درصد را مردان (513160 نفر) تشکیل دادند (سازمان سنجش، 1389). البته افزایش جنسیتی

به نفع دختران در سایر کشورها نیز واقعیتی انکار ناپذیر است (ریگل-کرامب¹، 2010).

طی سال‌های 85-1335 با وجود افزایش حضور زنان در دانشگاه‌ها، سهم آنان در نیروی کار تنها حدود 4 درصد افزایش پیدا کرده است (قانع‌ی راد و خسروخاور، 1385). و نرخ مشارکت آنها در بازار کار حدود 30% مردان و نرخ گذر آنان به مقاطع بالاتر نیز کمتر از مردان است. در واقع هر ساله بخش مهمی از نیروهای تربیت شده توسط آموزش عالی از قشری هستند که نرخ مشارکت کمتری در بازار کار دارند. در نتیجه در بلندمدت سهم نیروی کار دارای تحصیلات عالی در کل نیروی کار کاهش خواهد یافت (قارون، 1381:163). همچنین این مسئله می‌تواند آثار نامطلوبی بر ذخیره دانش نیروی انسانی فعال در کل اقتصاد کشور، در آینده داشته باشد (کارنامه حقیقی و اکبری، 1384).

بیکاری تحصیل کرده‌های دانشگاهی یکی از حادترین مشکلات اقتصادی-اجتماعی کشور است که به جرأت می‌توان گفت مهم‌ترین دغدغه دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها نیز است. بر اساس آمار و اطلاعات موجود، کشور ما در طول سالیان گذشته هرگز توان جذب نیروهای تحصیل کرده را نداشته است و آن تعداد نیروهایی هم که جذب بازار کار شده‌اند اکثراً در شغلی نامناسب با رشته تحصیلی خود به فعالیت اشتغال داشته‌اند که این امر تا حد زیادی ناشی از رشد فزاینده و بی‌برنامه پذیرش دانشجو در رشته‌های مختلف بدون توجه به بازار کار کشور است (اکبری پور، 1383). به گزارش بانک جهانی در سال‌های 2005 تا 2008 نرخ بیکاری در میان فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در ایران 19/6 درصد بوده است (روزنامه اطلاعات، 1389).

بررسی وضعیت موجود نشان می‌دهد در ایران بین افزایش سرمایه انسانی و کاربرد این سرمایه در توسعه اقتصادی فاصله وجود دارد (قانع‌ی راد، ب 1383) و با وجود رشد فزاینده دانش‌آموختگان آموزش عالی، سهم نیروی انسانی دارای تحصیلات دانشگاهی در جمعیت شاغل کشور بسیار پایین و در حد 10% است (طایی، 1382). صورت‌های مختلف تبدیل سرمایه انسانی به سرمایه اقتصادی در کشورهایی با شرایط اقتصادی-اجتماعی ایران، امکان تبدیل سرمایه انسانی به سرمایه مالی و اقتصادی را فراهم نمی‌کند و با توجه به عدم حساسیت بخش‌های اقتصادی و صنعتی به دانش و فناوری درونی، بخشی از این سرمایه‌های انسانی خلاق و نوآور دچار بیکاری و بخشی دیگر مجبور به مهاجرت می‌شوند (قانع‌ی راد، الف 1383).

نکته جالب اینجاست که با وجود آنکه میزان بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به ویژه در رشته‌های علوم انسانی-اجتماعی بالاست، عطش ادامه تحصیل در آموزش عالی نه تنها علائمی از کاهش را نشان نمی‌دهد، بلکه بطور مداوم در حال افزایش است (فرجادی، 1383).

بر طبق آنچه گذشت، از یک طرف با این واقعیت مواجه هستیم که هر سال تقاضا برای آموزش عالی و تمایل دانش‌آموزان برای ورود به دانشگاه رو به افزایش است و از طرف دیگر نظاره‌گر مسائل و تنش‌هایی

هستیم که دانش‌آموزان و دانشجویان قبل از ورود به دانشگاه (مانند استرس کنکور)، در دانشگاه و در جریان تحصیل (مانند افت تحصیلی) و پس از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه (مانند بیکاری) با آن دست به‌گریبان هستند. در این شرایط پرسیدن این سؤال بسیار منطقی و پاسخ به آن بسیار ضروری است که "با توجه به مسائل و مشکلات موجود، چه انگیزه‌ها و عواملی دانش‌آموزان را به سمت دانشگاه می‌کشاند".

پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخی برای این سؤال است به عبارتی محقق سعی دارد به این سؤال پژوهشی پاسخ دهد که:

عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه کدامند؟

اهمیت و ضرورت پژوهش

تصمیم‌گیری دانش‌آموزان برای ورود یا عدم ورود به دانشگاه تصمیم سرنوشت‌سازی در زندگی آنها محسوب می‌شود زیرا بر تمام ابعاد زندگی آینده آنها از جمله نوع شغل، درآمد، روابط اجتماعی و حتی انتخاب همسر آنها تأثیرگذار است (حسین شاهی و سیاح سیار، 1384). بنابراین باید تصمیم‌گیری دانش‌آموزان در این زمینه بدرستی و با در نظر گرفتن تمام جوانب و شرایط موجود (فردی، خانوادگی، اقتصادی و...) گرفته شود. برای این منظور لازم است که الگوهای انگیزشی دانش‌آموزان برای ورود به دانشگاه و تمایلات آنها شناسایی شود و عواملی را که این تصمیم را تحت تأثیر قرار می‌دهد مورد بررسی قرار داد تا از این طریق بتوان به دانش‌آموزان در گرفتن هر چه درست‌تر این تصمیم حیاتی کمک کرد.

در گذرگاه کنکور از یک سو ویژگی‌های مثبت اجتماعی مانند گرایش به آموزش عالی و مشارکت زنان و از سوی دیگر معضلات اجتماعی و اقتصادی مانند افزایش و بهم خوردن تعادل جمعیت جوان؛ بیکاری؛ مشکلات فرهنگی، آموزشی، تربیتی با یکدیگر تلاقی کرده و ازدحام متقاضیان آموزش عالی را موجب شده است. در این شرایط باید از گرایش‌های مثبت استقبال و موجبات هدایت و حمایت آنها را فراهم آورد و از دیگر سو برای معضلات راه‌حلی‌هایی اندیشه کرد (محمدی روزبهانی و طارمی، 1384). بنابراین لازم است که ماهیت تقاضا برای آموزش عالی شناخته شود و برای این منظور باید انگیزه‌ها و تمایلات افراد برای ورود به دانشگاه و عوامل مؤثر بر تقاضای آنها مورد بررسی قرار گیرد.

پویایی هر نظام آموزشی ایجاب می‌کند که اصلاحات ساختاری در آن نظام نهادینه گردد و با تحول و تکاملی که پیدا می‌کند، نیازهای اساسی جامعه را در زمینه نیروی کار توانا و متخصص تأمین نماید. چنین نظامی قادر است با عرضه خدمات متعدد و متنوع آموزشی، تقاضای اجتماعی را به سوی افق‌های تازه هدایت کند. امروزه که منابع انسانی، مهم‌ترین منبع رشد اقتصادی به‌شمار می‌آیند، نظام آموزشی هر جامعه می‌تواند نقش ارزنده‌ای را در تربیت این نیروها ایفا کند. در این صورت بین تقاضای اجتماعی برای آموزش و برنامه